حضرت فاطمه(س) بانویی است که افتخار خاندان وحی بوده، چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشد و فضائل او هم‌طراز فضائل بی‌نهایت پیامبر اکرم(ص) و خاندان عصمت و طهارت(ع) بوده است. به او از آن حیث «سیدة نساء العالمین» گفته شده که بر اساس آیات و روایات، در تمامی مکارم و کمالات، از تمام زنان عالم برتر و بلکه الگو و سرآمد مردان و زنان جهانیان است. ویژگی‌های این بانوی بی‌نظیر تنها در نزد شیعیان شناخته‌شده نیست بلکه اهل سنت نیز در منابع معتبرشان زبان به تمجید و تبیین مناقب و فضائل آن حضرت گشوده‌اند که آیت‌الله سید حسن عاملی به چند نمونه از این فضائل بی‌شمار در برنامه تلویزیونی سمت خدا اشاره کرده و ما آن را در این‌جا تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنیم.

عظمت حضرت زهرا(س) نزد اهل سنت

آیت‌الله سیدحسن عاملی

بخش اول

حضرت زهرا(س) بزرگ‌ترین الگوی آسمانی است. آن حضرت در کیاست، استثنایی‌ترین شخصیت عالم است و در تمام ابواب حساس زندگی بشر سخن برای گفتن دارد.از اخباری که آن حضرت از حوادث آینده جهان به امیر المومنین املاء فرمودند: معلوم می‌شود که تاریخ زیر پای حضرت زهراست و لذا نمی‌توان گفت زهرا به درد این روزگار نمی‌خورد.

در تقسیم کار که توسط پیامبر صورت گرفت می‌فرماید چقدر خوشحال شدم که پدرم در تقسیم کار، کار داخل خانه یعنی حساس‌ترین دوران تربیتی را به من سپرد، لذا امام حسین در کربلا حریت، شجاعت، اراده و قدرت خودش را که دنیا در برابر آن متحیر است به پای مادر نوشت.

فرزند ظهور قدرت روحی پدر و مادر است اگر می‌خواهید برای پدر و مادر نمره بدهید باید فرزندش را نگاه کنید، مخصوصاً در این روزگار که عناصر تاثیرگذار؛ متکثر، متعدد و پیچیده شده است و اگر اینها هماهنگ نشوند، تربیت قطعا محال می‌شود.

حضرت زهرا(س) بزرگ‌ترین الگوی آسمانی است. آن حضرت در کیاست،استثنایی‌ترین شخصیت عالم است و در تمام ابواب حساس زندگی بشر سخن برای گفتن دارد. از اخباری که ایشان از حوادث آینده جهان به امیرالمومنین(ع) املاء فرمودند معلوم می‌شود که تاریخ زیر پای حضرت زهراست و لذا نمی‌توان گفت زهرا به درد این روزگار نمی‌خورد.

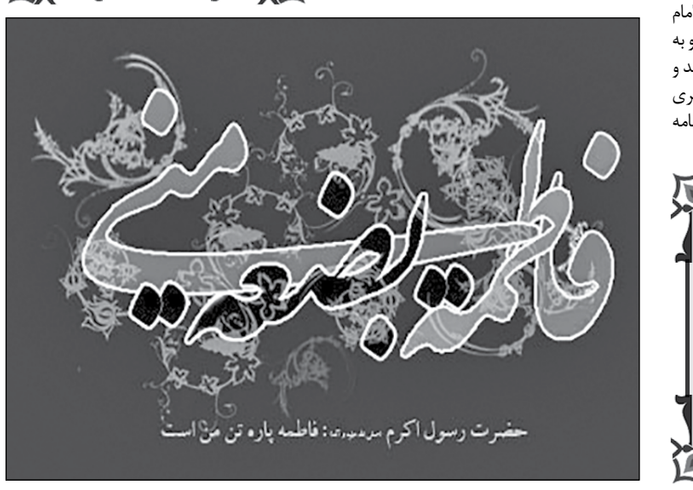

ضرورت تنظیم شئون زندگی با شاخص اهل‌بیت(ع)

ارائه تصویر کامل ازشخصیت حضرت زهرا(س) بسیار مشکل است. او جلوه‌ای از نور عظمت خداست. به تعبیر امام صادق(ع): «ان الله خلقها من نور عظمته»؛ خداوند حضرت زهرا را از نور عظمت خودش آفریده است. (بحارالأنوار ج۴۳ ص۱۲) و او را فاطمه نامیدند چون:«الناس فطموا عن معرفتها» (همان، ص۶۵) یعنی عقل بشر هرچه برای رسیدن به حقیقت حضرت زهرا بدود به حقیقت او نخواهد رسید، با این حال ما وظیفه داریم حضرات معصومین را در حد امکان در دسترس فهم عمومی قرار دهیم، چون آنها الگوهای جاودانه برای بشریت هستند: «شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ» (زیارت جامعه کبیره) بنابراین باید تمام اعتقادات و رفتارهای آنها تبیین شود تا بشریت سهم فاخری از این الگوهای آسمانی داشته باشند.

به ما دستور دادند که ما تمام شئون زندگی خودمان را با اهل بیت تنظیم کنیم و تطبیق بدهیم.امام صادق(ع) فرمود:« مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمِلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلِ الْقَوْلُ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلُ آلِ مُحَمَّدٍ فَبِمَا أَسَرُّوا وَ مَا أَعْلَنُوا وَ فِيمَا بَلَغَنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ يَبْلُغْنِي» ؛ هر که خشنود می‌شود که ایمان کامل داشته باشد بگوید حرف من در تمام چیزها حرف آل محمّد(ع)است در مورد آنچه پنهان کرده‌اند و آنچه آشکار نموده‌اند و آنچه به من رسید و آنچه نرسیده. (بحار الأنوار ج۲۵ ص۳۶۴) یعنی نظر من در تمام ابعاد زندگی اعم از زندگی مشترک، تجارت، فعالیت‌های سیاسی، راه‌اندازی سیستم تربیتی، تشخیص ارزش‌ها و تمییز بین فضائل و رذائل نظر اهل بیت است.در هر آنچه که اعلان کردند و نکردند چه به من برسد و چه نرسد نظر من نظر اهل بیت است. طبیعی است که خدای متعال در سیستم الگوسازی هیچ وقت کوتاهی نمی‌کند، چون رکن اصلی یک مدرسه تربیتی و نظام تربیتی الگوسازی صحیح است. غرب با ادعای مرجعیت فرهنگی بر دنیا بر دو محور متمرکز شده است:اول بر سر «الگو» که جوانان ما چه کسانی را برای خودشان الگو بگیرند و دوم بر روی «آداب».

برای تحقیق و صحبت در خصوص شخصیت حضرت زهرا(س) راه‌های مختلفی وجود دارد. می‌توان شخصیت آن حضرت را در کلمات جامعه رسول خدا به تماشا نشست، می‌توان شخصیت آن حضرت را در کلمات معصومین و ائمه اطهار جست‌وجو کرد، می‌توان شخصیت آن حضرت را در قاب تصویر قرآن مشاهده کرد، می‌توان شخصیت آن حضرت را در سیره خود حضرت نگاه کرد، همچنین منابع تاریخی تصویر خاصی را از آن خاتون دو عالم تصویر کرده‌اند.

ما ۷۰۰ نوع آداب داریم امروز دعوا بر سر آداب است. آداب ظهور مدنیت و فرهنگ ماست و امر لفظی که اضعف الوجودات است نیست.

به امیرالمومنین(ع)گفتند:این چه لباسی است که شما پوشیده اید؟ حضرت فرمود: «تذل به النفس» (بحار الأنوار ج۳۴ ص۳۴۳). یعنی دعوا بر سر لباس، دعوای ظاهری و صوری نیست، برای همین همه ما مسلمان‌ها در اثبات هویت دینی و تسلیم در برابر اراده تشریعی حضرت حق وظیفه داریم که به آداب مورد تاکید اسلام که توسط اهل بیت بیان شده توجه کنیم.خداوند فرموده است اگر شما با سنت پیامبر مخالفت کنید منتظر فتنه و عذاب باشید.(نور، آیه ۶۳) پیامبر ما (ص) فرموده است همچنان که خداوند می‌خواهد واجباتش عملی بشود من هم می‌خواهم به سنت من عمل بشود و در اولین بیانیه هم که امام زمان(عج) از مکه صادر می‌کنند می‌فرمایند که برای احیای قرآن و سنت رسول‌الله و برای از بین بردن بدعت‌هایی که در دین درست شده است آمده‌ام و لذا یک وظیفه بزرگ دینی،آشنایی هر مسلمان با آداب دین در تمام شئون زندگی است؛ در لباس، تربیت،ازدواج، تجارت، سلوک اجتماعی، رفتارهای اجتماعی، تعامل با دیگران، روابط انسان با مجتمعات عام و مجتمعات خاص، تعیین نظام ارزشگذاری، تشخیص حق و باطل، هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت و... معصومین در تمام این ابواب نظریات نفیس و فاخری دارند، نظریاتی که هیچ وقت با گذشت زمان منسوخ نمی‌شوند، شیعه زمانی شیعه است که از این آداب تبعیت داشته باشد: و امری لامرکم متبع(زیارت اربعین) و الا محب اهل بیت خواهد بود نه شیعه.

برای ما ضرورت دارد ارتباط خود با خدا، رسول خدا و اوصیای رسول خدا را تعریف کنیم.ما از طریق این ارتباط از عنایات خداوندی سهم خواهیم برد. این اشتباه بزرگ است که رابطه ما نسبت به اهل بیت این‌گونه باشد که در تولد آنها شیرینی و در عزای آنها خرما بخوریم، گاهی هم زیارتی از مراقد آنها داشته باشیم و اصلاً ندانیم که چرا آنها با عدم تنازل از اصول،راه شهادت را انتخاب کردند، این رابطه خیلی کم عمق و بی‌تاثیر است. آنها واسطه فیض برای این عالم هستند، تلقی از امامت باید خیلی صحیح باشد. این طور نیست که وظیفه امام صرفا این باشد که از فلان جا لشکر جمع کند و به فلان جا ببرد یا از فلان منطقه زکات جمع کند و در جاهای خاص مصرف کند، اینها امور ظاهری است،به تعبیر خواجه نصیرالدین طوسی: «الامامه رئاسة عامّة فی أمورالدین و الدنیا»

بهترین تعبیر درباره آنها تعبیر قرآن است که از کلمه میزان استفاده کرده است. خداوند در قرآن فرموده من برای شما قرآن، پیامبر و میزان نازل کردم. بنابراین ما باید اهل بیت را میزان برای تمام اقدامات خود قرار دهیم: (السلام علیک یا میزان الاعمال - بخشی از زیارتنامه امیر المومنین) آنها باید در تمام شئون زندگی ما حاضر باشند، آنها باید در بازار و در تجارت ما حاضر باشند، باید دقت کنیم تجارتی که می‌خواهیم بکنیم چقدر به آنها شباهت دارد، آنها با صراحت به ما گفته‌اند: « أعینونا بِالوَرَعِ» به ما با تقوایتان یاری برسانید.(الکافی: ج ۲ ص ۷۸) به طور مثال اگر زمانی مردم مضطر شدند، آیا ما از اضطرار مردم سوءاستفاده خواهیم کرد؟ عده‌ای مترصد اضطرار مردم هستند و در عین سوءاستفاده از اضطرار در ایام محرم می‌گویند حسین حسین! اینها هیچ وجه اشتراکی با اهل بیت ندارند.

زهرا(س) نقطه اشتراک شیعه و سنی

برای تحقیق و صحبت درخصوص شخصیت حضرت زهرا راه‌های مختلفی وجود دارد.می توان شخصیت آن حضرت را در کلمات جامع رسول خدا به تماشا نشست،می توان شخصیت آن حضرت را در کلمات معصومین و ائمه اطهار جست‌وجو کرد،می‌توان شخصیت آن حضرت را در قاب تصویر قرآن مشاهده کرد، می‌توان شخصیت آن حضرت را در سیره خود حضرت نگاه کرد،همچنین منابع تاریخی تصویر خاصی را از آن خاتون دو عالم تصویر کرده‌اند ولی من همه اینها را کنار می‌گذارم و از یک منبع جدید می‌خواهم صحبت کنم و آن منبع اهل سنت است؛ بالاترین فضیلت حضرت زهرا(س) در منابع اهل سنت بیان شده است،حضرت زهرا(س) نقطه اشتراک ما و اهل سنت می‌باشد. امام حسین(ع) نقطه اشتراک ما و اهل سنت محسوب می‌شود،مقصدی که امام حسین(ع) داشتند یعنی «رهبریت صالح» یک چیزی نیست که مخصوص شیعه باشد، روح شریعت و قوام آن به رهبریت صالح است(اسرا، آیه ۷۱) شعارهای حضرت ابا عبدالله(ع)در کربلا تماماً شعارهای جهانی و گمشده بشریت است. امیرالمومنین(ع) نیز نقطه اشتراک بین ما و اهل سنت است ما باید روی این اشتراکات خیلی تمرکز داشته باشیم. صراحتاً عرض می‌کنم آن فضیلت‌هایی که در منابع اهل سنت درباره حضرت زهرا آمده است بسیار بالاتر از منابع شیعه است و اگر شیعه آنها را نقل می‌کرد قطعاً تخطئه می‌کردند.

بعضی از وهابی‌ها می‌گویند شیعه شخصیت‌پرست است! اولاً پرستش یعنی چه؟ آیا ما قصد الوهیت داریم؟ در ثانی اگر بر فرض شیعه شخص‌پرست است، ریشه آن از خود شماست چون مطالب عرشی که در رابطه با فضیلت‌های حضرت زهرا(س) ذکر خواهیم کرد همه آنها در منابع اهل سنت ذکر شده است این‌جا باز یک مطلبی را باید متذکر شد فضیلت‌هایی که در منابع اهل سنت برای حضرت زهرا(س) آمده است هزار یک آن برای هیچ صحابه نیامده است. چطور می‌شود آنها در تلویزیون مدینه که تماماً روایت رسول خدا را درباره اصحاب می‌خوانند ذکر نمی‌شود؟ آنها کوچک‌ترین روایت درباره یک صحابه را ذکر می‌کنند اما دریغ از ذکر یک فضیلت درباره حضرت زهرا! اگر سخن پیامبر حرمت دارد و به خاطر حرمت ذاتی روایات نبوی، آنها را ذکر می‌کنید پس تبعیض در آن درست نیست تبعیض در سنت، مساوی با انکار سنت است. نومن ببعض و نکفر ببعض همچنان‌که در قرآن موجب اشدالعذاب است، در سنت نیز همین گونه است، چون رسول خدا حرف شخصی ندارد: و ما ینطق عن الهواء ان هو الا وحی یوحی؛ پیامبر هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! (نجم، آیات ۳و ۴)

از طرفی انتظار این است که عموم مسلمان‌ها از فرمایشات رسول خدا(ص) در رابطه با حضرت زهرا(س) محروم نشوند من اخیراً دیدم بعضی از تلویزیون‌های کشورهای عربی به نهج‌البلاغه روی آوردند چرا که دیدند این فصاحتی که در این کتاب وجود دارد در تاریخ بی‌نظیر و موجب فخر و شرف عرب و تمام مسلمان‌هاست، به تعبیر یکی از اساتید وقتی متن را ملاحظه می‌کنی تلقی این می‌شود که انگار از پیش خود خدا آمده است. یکی از محققین منصف در کشور عربستان کتاب‌های خیلی خوب و جامعی در رابطه با نهج‌البلاغه و نقد مبانی فکری محمد بن عبدالوهاب نوشته است. اخیراً ایشان را به تلویزیون رسمی عربستان دعوت کردند و ایشان بعد از بیان مطالبی در مدح اهل بیت و امیر المومنین یکی از فصیح‌ترین خطبه‌های امیر المومنین را از حفظ خواند.

در مقابل، زمانی در عربستان دیدم که کتاب خصائص نسائی را می‌فروشند از این جهت خیلی خوشحال شدم، نسائی در این کتاب در فضیلت امیر المومنین غوغا کرده است و شایسته است در هر خانه‌ای این کتاب موجود باشد.جناب نسایی شخصیت استثنایی دارد و وثاقت او مورد اتفاق تمام علمای اهل سنت است، اما وقتی کتاب را برداشتم دیدم که یک وهابی آن را حاشیه زده و به خیال خودش تمام احادیث را تخطئه کرده است، او باید روز قیامت جوابگو باشد که چگونه با آفتاب یعنی معجزه رسالت خاتمیت مخالفت کرده است،رسول خدا (ص) فرمود اول کسی که به محشر می‌آید من هستم بعد قرآن و سپس عترت من و من از امتم سؤال خواهم کرد که با کتاب من و عترت من چه کار کردید؟

فضیلت‌هایی که در منابع اهل سنت برای حضرت زهرا(س) آمده است هزار و یک آن برای هیچ صحابه نیامده است. چطور می‌شود آنها در تلویزیون مدینه که تماماً روایت رسول خدا را درباره اصحاب می‌خوانند ذکر نمی‌شود؟ وهابی‌ها کوچک‌ترین روایت درباره یک صحابه را ذکر می‌کنند اما دریغ از ذکر یک فضیلت درباره حضرت زهرا!

کیست کسی که یک لحظه از خدا عطیه بخواهد و برایش فراهم شود؟ وقتی انسان نِعْمَ الْعَبْدُ می‌شود خداوند هم در برابر او نعم المجیب می‌گردد.اگر اصحاب از امیر المومنین می‌خواستند که زهرا گریه نکند این نه به خاطر(نعوذ بالله) همسایه آزاری بلکه به خاطر این بود که حضرت زهرا را مستجاب الدعوه می‌دانستند و از تبعات گریه‌های حضرت زهرا می‌ترسیدند.

فضیلت اول

اولین روایت از فضیلت حضرت زهرا(س) که در منابع اهل سنت ذکر شده است مربوط به کتاب کشاف زمخشری است.

زمخشری در تفسیر خود، ذیل آیه «کلّما دخل علیها زکریّا» (آل عمران /۳۷)می نویسد:با اینکه رسول‌الله(ص) می‌بینند که امیرالمومنین(ع) و حضرت زهرا(س) از جهت گرسنگی وضعشان خیلی شدید است، به امیرالمومنین خطاب می‌کنند که من می‌خواهم برای ناهار به منزل شما بیایم! امیرالمومنین فوراً خودشان را به حضرت زهرا(س) می‌رسانند و می‌فرمایند رسول خدا (ص) می‌خواهند برای ناهار تشریف بیاورند. ایشان عرض می‌کنند که شما می‌دانید چند روزی است هیچ چیزی در منزل نیست و هر چه هست در آن، تو را بر حسنین مقدم کرده‌ام! از روایات معلوم می‌شود بچه‌ها از گرسنگی چنان وضعشان وخیم بوده که شکایت به پیامبر(ص) می‌کردند که در منزل گرسنگی دارند، گاهی حضرت زهرا(س) بچه‌ها را می‌خواباند که غذا طلب نکنند! وقتی حضرت زهرا قضیه را به امیرالمومنین توضیح می‌دهند ایشان می‌گویند که چرا به من نگفتی؟ حضرت پاسخ می‌دهد: انی استحیی من ربی ان اکلفک ما لا تقدر، چون می‌دانم تو قادر نیستی و از خدا حیا می‌کنم که چیزی از تو بخواهم که می‌دانم تو بر آن قادر نیستی یعنی نمی‌خواهم در برابر من منفعل شوی و بشکنی.پدرم هنگام آمدن من به خانه تو به من گفته است چیزی که علی به آن قادر نیست از وی طلب نکن. (بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۵۹)

چقدر این رابطه آرمانی بوده است! می‌دانیم که علی(ع) از مهاجرین بود و هرچه ثروت داشت در مکه مانده بود و چیزی نداشت، دست خالی به مدینه آمده بودند و منزلی هم که داشتند بیرون مدینه گوشه نخلستان یک چیزی درست کرده بودند و حتی شب زفاف هم حضرت زهرا(س) را آنجا برد بعداً پیامبر گفت یا علی طاقت دوری زهرا را ندارم یکی از اتاق‌های خودم را به تو می‌دهم، تو این اتاقی را که در گوشه نخلستان درست کرده‌ای به ازای آن به من بده! امیرالمومنین می‌گویند من با پیامبر برای ناهار آمدم و حضرت زهرا یک سینی غذا جلوی ما آورد،غذایی که غذای آن موسم و فصل نبود، رسول خدا با تعجب پرسید زهرا جان «انی لک هذا» این از کجاست؟ حضرت زهرا(س) پاسخ دادند «من عند الله»!

یعنی تنها یک اراده کرده است و با عنایت خداوندی این غذا برای ایشان حاضر شده است یعنی خداوند راضی نشد حضرت زهرا در برابر رسول خدا و امیر المومنین بشکند، نفس ناطقه انسان باید به چنین درجه‌ای از اعتلاء برسد و یک چنین قربی در محضر حضرت احدیت پیدا کند،آیا ما در انصار و مهاجرین چنین کسی را سراغ داریم که خدای متعال این‌گونه برای او حساب باز کند؟

بررسی جایگاه و اهمیت پدر و مادر در آموزه‌های دینی

والدین نورچشمی‌های خدا

زهرا فرازمند

در عظمت جایگاه والدین همین بس که خدا پس از حکم وجوب عبادت خدا، احسان به والدین را قرار داده است. از نظر آموزه‌های قرآن، کسی که نسبت به والدین خویش، جبار، شقی و عصی باشد، به سه گناه کبیره گرفتار است که خدا وعده دوزخ برای هر یک از این صفات داده است؛ حال بنگرید که کسی با والدین خویش بد کند، همزمان سه گناه کبیره را انجام داده است.

در مطلب حاضر عظمت مقام والدین در آموزه‌های اسلامی و وظایف فرزندان و عواقب بدی به والدین تبیین شده است.

***

وجوب احسان و شکر نسبت به والدین

در قرآن، پس از حکم واجب بندگی خدا، بر ضرورت و وجوب احسان و شکرگزاری نسبت به والدین تاکید شده است؛ خدا می‌فرماید: و قضی ربک ان لا تعبدوا الا ایاه و بالوالدین احسانا...؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو! و بالهای تواضع خویش را از محبّت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!». (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴)

در جایی دیگر با کنار هم نهادن وجوب شکر خدا و والدین می‌فرماید: ان اشکر لی و لوالدیک؛ شکرگزار من و والدین خود باش!(لقمان، آیه ۱۳)

شکر حقیقی چیزی جز ظهور ایمان نیست، همچنان‌که کفران با کفر همراه است؛ از همین رو در آیات قرآن، به این ارتباط توجه و تاکید شده است. (لقمان، آیه ۱۲؛ انسان، آیه ۳؛ نمل، آیات ۱۹ و ۴۰) پس همان طوری که انسان باید از خدا بخواهد تا ایمان و شکرگزاری نسبت به خدا را به او عنایت فرماید و او را به این دو هدایت کند؛ همچنین از خدا بخواهد تا او را موفق بدارد شکر نعمت والدین را به جا آورد و از والدین خویش تشکر کند.(لقمان، آیه ۱۳)

احسان به والدین دارای مراتبی است، ولی عالیترین مرتبه آن است که انسان پیش از درخواست آنان، در خدمت آنان نسبت به چیزهایی بکوشد که می‌داند بدان علاقه و گرایش دارند و پیش از آنکه درخواستی از او کنند، کریمانه این امور را در اختیارشان بگذارد. در حقیقت اوج احسان در حق والدین نوعی ایثارگری است که فرزندان نسبت به والدین انجام می‌دهند و این‌گونه، شکر عملی خویش را به جا می‌آورند. البته باید توجه داشت که انسان افزون بر شکر عملی باید شکر قلبی و زبانی نیز داشته باشد و محبت و سپاس خویش را در قلب و زبان و عمل به آنان نشان دهد.

ابی ولاد از امام صادق(ع) می‌پرسد: مراد از «و بالوالدین احسانا» چیست؟ امام(ع) در پاسخ می‌فرماید: احسان به والدین به این است که در مصاحبت ایشان نیکوکار باشی و اگر چیزی لازم داشتند پیش از آنکه از تو بخواهند به آنان بدهی و ناگفته رفع نیازشان کنی هر چند بی‌نیاز باشند.

آن حضرت(ع) همچنین در معنای «قل لهما قولا کریما» فرمود: اگر تو را بزنند، بگو: خدا شما را بیامرزد؛ و در معنای «واخفض لهما» فرمود: نگاه تند به آنان مکن و صدای خود را بلندتر از صدایشان منما و در راه رفتن بر ایشان پیشی مگیر و در مجالس بر آنان مقدم مشو و دست خویش را بالای دستشان قرار مده. (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۹، ح ۷۸)

از پیامبر(ص) روایت است: هر آینه انس با والدین پیر در یک شبانه‌روز از جهاد یکسال بهتر و برتر است. (همان، ص ۵۲) از روایات معصومان(ع) دانسته می‌شود که احسان به والدین کفاره بسیاری از گناهان است و انسان با این کارها از این گناهان و عذاب آن می‌رهند. (مستدرک الوسائل: ۱۵/ ۱۷۹/ ح ۱)

آن حضرت فرمود: پاداش و ثواب احسان به والدین و هر نگاه از روی رحمت و محبت به ایشان، یک حج مقبول است. پرسیدند: یا رسول‌الله! هر گاه در روز صد مرتبه چنین کند؟ فرمود: بلی به هر نظری ثواب حجی است.(بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۷۳)

عواقب آزردن و عاق والدین شدن

چنان‌که گفته شد، خدا پس از وجوب بندگی خویش، احسان به والدین را سفارش کرده و آن را واجب دانسته است. بر همین اساس، در روایات معصومان(ع) ارتباط تنگاتنگی میان رضایت والدین با رضایت خدا و خشم والدین با خشم خدا برقرار شده است. رسول خدا(ص) فرمود: رضی الله مع رضی الوالدین و سخط الله مع سخط الوالدین؛ رضایت و خشنودی خدا با خشنودی والدین و خشم خدا با خشم والدین است.(بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴)

در آیات و روایات، تنها جایی که مخالفت با والدین مجاز دانسته شده، نسبت به شرک به خدا است که نمی‌توان به این فرمان یا گرایش والدین پاسخ مثبت داد(لقمان، آیات ۱۴ و ۱۵)؛ اما در عین حال باید با آنان خوش رفتار بود. غیر از این مورد باید در تمام امور دیگر مطیع والدین بود حتی اگر مشرک و کافر و فاجر و فاسق باشند. بنابراین، مصاحبت بر اساس عرف و معروف با والدین حتی کافر و مشرک، یک دستور الهی است. (همان) از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: سه چیز است که خدا رخصت و استثنایی در آن قرار نداده است: رد امانت به صاحبش مومن باشد یا کافر؛ وفای به عهد با دیگری خواه مومن باشد یا کافر؛ نیکی به والدین، خواه مومن باشد یا کافر. (اصول کافی، ۳، ص ۲۳۶)

بر این اساس هر گونه رفتاری که موجب آزردن والدین باشد، به عنوان منکر است و شخص را از دایره ایمان و شکر و احسان خارج کرده و به دایره کفر و کفران و عصیان وارد می‌کند.

ابی ولاد از امام صادق(ع) می‌پرسد: مراد از «و بالوالدین احسانا» چیست؟ امام(ع) در پاسخ می‌فرماید: احسان به والدین به این است که در مصاحبت ایشان نیکوکار باشی و اگر چیزی لازم داشتند پیش از آنکه از تو بخواهند به آنان بدهی و ناگفته رفع نیازشان کنی هر چند بی‌نیاز باشند.

از نظر آموزه‌های قرآن، مخالفت و عصیان و آزردن والدین، شخص را وارد سه گروه می‌کند که هر سه گروه وارد دوزخ می‌شوند؛ زیرا رفتار این سه گروه از مصادیق گناهان کبیره است. خدا در قرآن پس از بیان «برّ»(نیکی) به والدین، هر گونه رفتار خلاف ابرار بودن را به معنای «جبارا شقیا عصیا» دانسته است.(مریم، آیات ۱۴ و ۳۲) از نظر قرآن کسانی که دارای این صفت بوده و آن را به شکل اسمی در خویش شاکله قرار داده وشخصیت خود را این‌گونه ساخته‌اند و بر اساس آن رفتار می‌کنند، به عنوان مرتکبان گناه کبیره شناخته می‌شوند وبه آنان وعده دوزخ داده شده است.

درباره جبار می‌فرماید: هر جبار سرکشی نومید می‌شود و از پس او دوزخی است که از آب آلوده غیر قابل فرودادن سیراب می‌شود و عذاب الیم: و هم المکذب بالقدر، و المدمن للخمر و العاق لوالدیه؛ سه گروه هستند که خدا با آنان در روز قیامت سخن نمی‌گوید و آنان را تزکیه و رشد نمی‌بخشد و به آنان نظر نمی‌کند و برای آنان عذاب دردناک است؛ آنان عبارتند از: تکذیب‌کننده قدر الهی، دائم الخمر و عاق والدین.(مستدرک الوسایل، ج ۱۵ ص ۱۹۴)

بر اساس روایات اهل بیت(ع) اگر پدر درخواستی داشت و مادر درخواستی دیگر، خواه در مقام تعارض امر و نهی باشد، خواه در مقام تزاحم هنگام عمل؛ یعنی نتوان هر دو را انجام داد و رضایت هر دو را کسب کرد، در این صورت ترجیح با فرمان مادر است.

مقامات عظیم والدین در اسلام

براساس تعالیم اسلامی، کسی که والدین را بیازارد عاقبت به خیر نمی‌شود؛ اما اگر به والدین خود احسان کند، عاقبت به خیر شده و خدا سختی‌های هنگام مرگ را بر او آسان می‌کند و هرگز در دنیا گرفتار تهی‌دستی و فقر نمی‌شود.(سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۸۷)

در عظمت جایگاه والدین همین بس که دعای والدین در حق فرزند مستجاب، بلکه سریع الاجابه است؛ چنان‌که نفرین والدین نیز این‌گونه است. البته از نظر روایات اسلامی، هر چند که دعا و نفرین پدر قوی‌تر است؛ اما نیکی و احسان به مادر سزاوارتر است؛ زیرا پیامبر(ص) سه مرتبه احسان به مادر را سفارش کرده و در مرتبه چهارم احسان به پدر را فرموده است؛ وقتی از آن حضرت(ص) درباره چرایی آن پرسش شد، فرمود: آن که ۹ ماه تو را در شکم گرفت و بعد به سختی تو را زایید و بعد از پستان خود تو را تغذیه کرد سزاواتر بر نیکی و احسان است. (بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۴۹)

در جایی دیگر وقتی از پیامبر(ص) پرسیده شد که حق پدر چیست؟ فرمود: اینکه او را تا زنده است اطاعت کنی؛ سپس درباره حق مادر سؤال شد که حق مادر چیست؟ فرمود: هیهات هیهات اگر به عدد ریگهای بیابان و قطره‌های باران در خدمت مادر بایستد،معادل با یک روزی که در شکم او بوده نخواهد بود.(عوالی اللئالی، ص ۲۶۹)

جالب‌تر اینکه پیامبر(ص) فرمود: إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَ إِنْ دَعَتْكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا؛ اگر در نماز مستحبی باشی و پدرت تو را بخواند، نمازت را قطع مکن! اما اگر مادرت تو را خواند نماز را رها کن و در خدمت مادر باش! (مستدرک‌الوسائل، ج۱۵، ص۱۸۱)

بر اساس این روایات اگر پدر درخواستی داشت و مادر درخواستی دیگر، خواه در مقام تعارض امر و نهی باشد، خواه در مقام تزاحم هنگام عمل؛ یعنی نتوان هر دو را انجام داد و رضایت هر دو را کسب کرد، در این صورت ترجیح با فرمان مادر است. در برخی از امور مانند رفتن به نماز جماعت، اگر موجب اذیت و آزار والدین یا ترس از تنهایی یا مشکلات خاص می‌شود، رفتن به نماز جماعت با نهی آنان حرام می‌شود. همچنین انجام مستحبات با نهی والدین نه تنها دیگر مستحب نیست، بلکه حرام خواهد بود. بر اساس این روایات و فتوای فقها اگر وقت نماز واجب رسد و والدین کاری را بخواهند تا فرزند انجام دهد، لازم نیست که نماز اول وقت بخواند، بلکه واجب است دنبال کار والدین رفته سپس نمازش را بگزارد. همچنین بر فرزندان است تا نه خود، والدین را بیازارند و نه اجازه دهند دیگران والدینشان را بیازارند.

در آداب تکریم و احسان به والدین گفته‌اند که والدین را به لقب و کنیه بخوانید، جلوی آنان راه نروید و قبل از آنان شروع به خوردن غذا مکنید و در مجلس روی خویش را از ایشان بر نگردانید و صدای خود را بلندتر از آنان نکنید و دست خود را بالای دست آنان قرار مدهید و کاری نکنید که دیگران والدین را دشنام و لعن دهند و در راه رفتن به والدین تکیه نکنید.

حق والدین حتی پس از مرگ نیز باید مراعات شود که شامل قضای حج، نماز، روزه و بدهی‌های مالی او، عمل مطابق به وصیت، طلب آمرزش خواستن از خدا برای آنان تا دم مرگ خویش، صدقه دادن از طرف آنان و مانند آنها است.

از امام باقر(ع) روایت است که اگر شخصی در زمان حیات والدین احسان کند، اما پس از مرگ ایشان آنان را فراموش کرده و کاری برای آنان انجام ندهد، خدای تعالی او را جزو عاق والدین قرار می‌دهد؛ اما کسی که در حیات والدین عاق شده اما پس از مرگ ایشان قرض آنان را ادا کرده و به دعا و استغفار برای آنان بپردازد، خدا نامش را در زمره محسنین به والدین ثبت می‌کند. (اصول کافی: ۲ج، ۱۶۳،ح ۲۱)

از پیامبر(ص) پرسیده شد: آیا پس از مرگ والدین چیزی از حقوق آنان باقی است یا خیر؟ فرمود: بلی نماز و استغفار و دعا برای ایشان و گرامی داشتن دوستان آنان و صله نمودن با رحم(بستگان) آنان.(همان) و نیز فرمود: کسی که به پدرش در حال حیاتش نیکی کند و پس از مردنش او را فراموش کند و برایش دعا نکند؛ خدا او را «عاق» می‌نامد.(همان)

پیامبر(ص) به فرزندان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: از آزردن و عاق والدین شدن بپرهیزید؛ زیرا بوی بهشت از هزار سال به استشمام می‌رسد، ولی عاق‌الوالدین و قطع‌کننده رحم، آن را نمی‌یابند.

البته از نظر آموزه‌های اسلام، حقوقی بر والدین و نیز حقوقی بر فرزندان است، یعنی باید هر دو گروه از والدین و فرزندان حقوق یکدیگر را مراعات کنند. اما اگر والدین حقوق فرزندان را مراعات نکردند، فرزندان حق ندارند که از تکلیف الهی شانه خالی کنند وبه حقوق والدین نپردازند؛ زیرا حق والدین همواره بزرگ‌تر و عظیم‌تر از حق فرزندان است. پس اگر والدین به حقوق فرزندان توجهی نداشته و به تکلیف خویش عمل نکردند نزد خدا مسئولند ولی فرزندان نمی‌توانند چنین کنند، بلکه لازم است تا آنان حقوق والدین را شناخته و به تکالیف خویش در قبال آنان عمل کنند.

کوتاه سخن آنکه از آیات و روایات فراوان درباره مقام و ارزش پدر و مادر می‌توان چنین برداشت کرد که والدین نورچشمی‌های خدا هستند و کوچک‌ترین رفتار نامناسب با آنها واکنش سخت خداوند را در پی دارد.

سخن درباره این موضوع آنچنان زیاد است که گنجایش آن نه یک مقاله بلکه یک کتاب قطور است.

چراغ راه

درمان بیماری‌های روحی

قال‌الامام علی(ع): «ذکرالله دواء اعلال النفوس».

امام علی(ع) فرمود: یاد خدا درمان بیماری‌های روح و رنجوری‌های نفس است.[1]

۱- غررالحکم، ح ۵۱۶۹

حکایت خوبان

شاخص‌های اهل فضیلت؟

در روایات اسلامی یکی از ویژگی‌های اهل ایمان، سبقت گرفتن در کارهای نیک است که ثمره آن در قیامت، سبقت گرفتن در رفتن به بهشت است. پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: در روز قیامت چون خلایق جمع شوند، ندادهنده‌ای ندا دهد: کجایند اهل فضیلت؟ پس جماعت اندکی برمی‌خیزند و شتابان به سوی بهشت می‌روند. فرشتگان جلو می‌روند و می‌گویند: شما را می‌بینیم که به سوی بهشت می‌شتابید! آنها پاسخ می‌دهند: ما اهل فضیلتیم. فرشتگان می‌پرسند: فضل شما چه بوده است؟ آنها می‌گویند: ما هرگاه ستمی می‌دیدیم می‌بخشیدیم و هرگاه بدی می‌دیدیم گذشت می‌کردیم و هرگاه رفتار جاهلانه‌ای با ما می